

مهارت های تربیتی و آموزش های عملکردی آن به کودکان و نوجوانان

عزیزه نیدی^۱، مریم نیری^۲

^۱استادیار دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر

^۲کارشناس ارشد، آموزگار دوره ابتدایی

چکیده

پرورش و تربیت کودک و نوجوان از ارزش زیادی برخوردار است. اگر کودک و نوجوان به درستی تربیت شود، در آینده انسانی شایسته و بایسته بار خواهد آمد. او با رفتار پسندیده خود می تواند نقش بسیار مثبتی در جامعه ایفا کند و در هر شغلی که باشد، انسانی لایق و کاردان خواهد بود. چنین انسانی، نه تنها هیچ ضرری به جامعه نمی رساند، بلکه می تواند کارهای خوب و مفیدی انجام دهد که چه بسا ماندگار و سازنده خواهد بود. این پژوهش به روش توصیفی و تفسیر و تبیین و با شیوه کتاب خانه ای به مهارت های تربیتی از قبیل علاقه به مطالعه، صداقت و راستگویی، مسئولیت پذیری، نیاز به استقلال، خلق و خوی نیکو و غیره می پردازد و با توجه به نظریات روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، آموزش های عملکردی مختلفی در رابطه با این موضوع ها به رشته تحریر در آمده است. نتایج به دست آمده، تأثیر مهم توجه و شناخت اولیا و مربیان به مهارت های تربیتی و آموزش های عملکردی آن به کودکان و نوجوانان و نتایج ارزشمند آن در زندگی امروز و آینده آنان را به وضوح نشان می دهد. بی شک نهادینه شدن ارزش های اخلاقی در وجود انسان، به او قدرتی می دهد که بتواند، با راهنمایی یا بدون راهنمایی دیگران، در موقعیت های مختلف اجتماع، به طرز صحیح و مناسب رفتار کند.

واژه های کلیدی: تربیت، عملکرد، مهارت، کودکان، نوجوانان.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و لازمه اجتماعی بودن، ارتباط و تعامل با انسان ها و هموعان دیگر است. موجودات دیگری نیز وجود دارند که اجتماعی زندگی می کنند ولی زندگی و ارتباطات آن ها بر اساس گزینه شکل می گیرد. تعلیم و تربیت یکی از نیازهای اساسی انسان و لازمه زندگی و ارتباطات اجتماعی است زیرا بدون آن، مناسبات و روابط اجتماعی صورت مناسب و منظمی به خود نمی گیرد و دچار خلل و نابسامانی می گردد.

بی شک نظام تعلیم و تربیت و آداب ارتباطات اجتماعی از آغاز زندگی انسان بر کره خاکی وجود داشته و طی دوران ها و زمان های مختلف مطرح بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. «تعلیم و تربیت (اعم از رسمی و غیررسمی، عمدی و غیرعمدی) نه تنها می تواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتی جسمانی فرد مؤثر باشد، بلکه وسیله ای در جهت رفع نیازهای حقیقی (اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره) و مصالح اجتماعی به شمار می آید؛ یعنی نقش تعلیم و تربیت نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی شود، بلکه تمام شئون اجتماعی او را دربرمی گیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می گردد.» (کاردان و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۸)

نظریات مختلف در مورد تعلیم و تربیت ارائه شده است. افلاطون که در واقع نخستین اندیشمندی است که به تأثیر متقابل تعلیم و تربیت و جامعه توجه کرده «شرط توفیق مربی و مؤثر بودن تعلیم و تربیت را فراهم بودن محیط مساعد، یعنی همراه با فضیلت می داند. به نظر او در واقع همه کوشش های مربی در صورتی که با مخالفت های عمومی یا محیط اجتماعی فاسد رو به رو شود بی نتیجه می ماند. بنابراین برای آن که کار تربیت به نتیجه مطلوب برسد، زمامداران باید در صدد اصلاح جامعه و تصفیه آداب و رسوم و سنت های ناسالم و نادرست برآیند و قادر باشند با تأثیرات زیان آور به طور منظم مبارزه کنند.» (همان: ۱۷۱)

ژان پیاژه که یکی از بزرگ ترین روان شناسان قرن بیستم است، ضمن ارائه نظریات خود در باره اصول آموزش و پرورش عقیده دارد «رشد عقلی و اخلاقی کودک معلول کنش و واکنش متقابل او و محیط مادی و به ویژه محیط اجتماعی است. بنابراین هدف عمده تربیت (اجتماعی کردن کودک) باید از راه زندگی اجتماعی (بازی، کار و نظایر آن) و برای زندگی اجتماعی صورت گیرد.» (همان: ۲۳۴)

فارابی که از نخستین فیلسوفان بزرگ در دوره اسلامی و صاحب رساله ها و کتاب های فراوانی است، ضمن بیان نظریات خود در باره تعلیم و تربیت معتقد است که: «اخلاق اساساً با عادت و تمرین شکل می گیرد و فضایل اخلاقی همانند علم و معرفت حقیقی هنگامی تحقق می یابد که ملکه راسخه حاصل شود.» (همان: ۲۷۱) بی شک تعلیم و تربیت و فضایل اخلاقی هنگامی به وقوع می پیوندد که ملکه راسخه شود و با تکرار و تمرین، خلق و خو و عادت انسان گردد.

پیامبران الهی، اساس بعثت خود را راهنمایی و هدایت اخلاقی انسان ها می دانستند. به طوری که پیامبر اکرم در این باره می فرماید: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق. من برای کامل نمودن فضایل اخلاقی مبعوث شده ام.» (مجموعه کبیر، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

مکارم اخلاق و صفات اخلاقی لازمه زندگی انسان، فراوانند و راهکارهای مختلفی برای آموزش آن ها وجود دارد. در این مقاله تلاش می شود به این سؤالات پاسخ داده شود:

۱. مهارت های تربیتی چیست و در زندگی اجتماعی انسان چه ارزش و اهمیتی دارد؟
۲. چه راهکارهای عملی برای آموزش مهارت های تربیتی به کودکان و نوجوانان وجود دارد؟

مهارت های تربیتی

عنصرالمعانی کیکاووس دربخشی از کتاب قابوس نامه یا نصیحت نامه که آن را در قرن پنجم ه. ق. برای راهنمایی و اندرز به پسرش نگاشته است، می نویسد: «بدان، ای پسر که مردم بی هنر دائم بی سود بود، چون مغیلان (درختچه ای با خارهای بی شمار) که تن دارد و سایه ندارد، نه خود را سود کند و نه غیر را ... و بدان (به آن) نام که پدر و مادر نهد، هم داستان (موافق) مباش که آن نام، نشانی باشد. نام آن باشد که تو بر هنر خویش نهی تا از نام جعفر و زید و ... به استاد و فاضل و حکیم اوفتی.» (عنصرالمعالی، به نقل از روان پور، ۱۳۸۶: ۲۶)

بحث در باره تربیت و مهارت های تربیتی از دیرباز وجود داشته است. پدران، مادران، معلمان و مربیان، متخصصان تعلیم و تربیت در این زمینه وظیفه ای خطیر برعهده دارند. شناخت مهارت های تربیتی و چگونگی تربیت فرزندان از اهمیت فراوانی برخوردار است، زیرا «کودک لوحی سفید یا کتابی نانوشته می باشد که پس از تولد، به اندازه یک دنیا می تواند مطلب در خود جای دهد. به همین دلیل مادر بودن و پدر بودن مسئولیتی سنگین دارد، زیرا فرزند در دوران نوزادی آسیب پذیر و در دوران کودکی پردغدغه و در دوران نوجوانی حساس و در ایام شباب هیجانی و پرمدها خواهد بود. هر یک از ادوار زندگی اش نیاز به یک سلسله آگاهی ها دارد که والدین باید از آن کم و بیش آگاه باشند.» (عطاری کرمانی، ۱۳۸۳: بیست و سه)

می توان گفت تربیت و توجه به مهارت های تربیتی افراد جامعه، نه تنها باعث سلامت و رشد انسان ها بلکه موجب تعالی جامعه می شود. در اینجا لازم است، تربیت تعریف شود: «تربیت فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعداد های درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رساندن امکانات بالقوه موجود در درون او را تربیت نامند. هسته سیبی را در نظر بگیرید، این هسته استعداد تبدیل شدن به سیب را در درون خود دارد و در صورت فراهم بودن شرایط، این استعداد درونی به فعلیت می رسد و دانه مزبور به درخت سیب تبدیل خواهد شد. دانه مذکور گرچه بالفعل (فعلاً) دانه ای بیش نیست اما چون امکان تبدیل شدن به سیب را داراست، بالقوه (بالاستعداد) سیب است. تربیت این دانه، فراهم آوردن شرایط لازم جهت پروراندن همین استعداد درونی و به فعلیت درآوردن خصوصیات بالقوه آن است. در مورد انسان نیز فراهم آوردن شرایط برای شکوفایی همه استعداد های درونی در جهت رسیدن به هدف مطلوب تربیت نامیده می شود.» (سادات، ۱۳۷۲: ۷)

مهارت های تربیتی فراوان است که در اینجا به ذکر تعدادی از آن ها به همراه راهکارهای عملی برای آموزش و تقویت آن ها پرداخته می شود.

علاقه به مطالعه: علاقه به مطالعه و کتاب خواندن یکی از مهارت های تربیتی ارزشمند برای همه انسان ها، به خصوص کودکان و نوجوانان است. مطالعه کتاب فواید بسیاری دارد، انسان با مطالعه: معلومات خود را افزایش می دهد. از اوقات فراغت خود بهره می گیرد و آن را خوشایند می سازد، در خواندن و نوشتن متبحر می شود و ...

برای یک کودک که در سنین پایین قرار دارد، زمانی خواندن کتاب لذت بخش است که او را به عالم خیال ببرد و بتواند با شخصیت های داستان هم ذات پنداری کند. کودکان در سنینی که علاقه به خیال پردازی دارند، به اعتبار شخصیت بخشی؛ به حیوانات، شخصیت انسانی می دهند و اشیا و پدیده ها را زنده می انگارند. «وقتی کودکان مجذوب داستان می شوند، چگونگی برخورد با مشکلات و کنار آمدن با آن ها را می آموزند و با قهرمانان داستان قدم به قدم جلو می روند. بنسبون معتقد است افرادی که با کودکان کار می کنند و برای آن ها داستان می سازند، در واقع آیینه شخصیت خود

کودک را بازسازی می کنند.» (شارب و کاوی، ۱۳۷۹: ۷۰) خواندن داستان ها وقصه های خوب، نه تنها برای کودکان بلکه برای نوجوانان و جوانان هم مفید است. « گاهی اوقات خوانندگان، داستان هایی را که خوانده اند، دوباره بازسازی می کنند. داستان، روایت و درام باعث کشف علایق کودکان و نوجوانان می شود. برای حل مشکلات و معماهای غیر قابل حل زندگی و چگونگی کنار آمدن با غم و غصه و همکاری با هم به روش های درمانی می توان از داستان کمک گرفت... بنسون می نویسد فرد جوان هنگام گوش دادن به یک داستان با عناصر داستان همراه می شود.»(همان: ۷۰)

بعضی از بچه ها علاقه کمی نسبت به مطالعه خارج از کتاب درسی از خود نشان می دهند، شما می توانید هر از گاهی آن ها را به کتاب خانه های مخصوص کودکان ببرید تا کودکانی را که در آنجا مشغول مطالعه یا نقاشی کردن هستند، ببینند. این کار آن ها را به کتاب و کتاب خانه علاقه مند می کند.

برای علاقمند کردن آن ها به مطالعه می توان راهکارهای مذکور را در نیز نظر گرفت: «اگر فرزند شما علاقه ای به مطالعه نداشته باشد، می توانید او را تشویق کنید به مطالعه اشیا و اموری که از آن ها لذت می برد، بپردازد. به عنوان مثال، بعضی از کودکان دوست دارند اطلاعاتی در مورد تیم های ورزشی مورد علاقه خود از طریق مطالعه به دست آورند ولی علاقه ای به مطالعه رمان ندارند، بنابراین مهم ترین مسئله این است که کودکان مطالعه کنند، صرف نظر از این که در چه زمینه باشد. همچنین می توانید رمان ها و داستان هایی که در مورد ورزشکاران، هنرمندان یا سایر افراد مورد علاقه فرزند شما باشد، در اختیار او قرار بدهید تا مطالعه کند.» (کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

برای این که کودکان و نوجوانان، در آینده انسان هایی اهل مطالعه و علم دوست بار بیابند، علاوه بر مطالب فوق، باید کتابی را برای فرزند خود انتخاب کنید که: «۱. هر دو از خواندن آن لذت می برید و به موضوع آن علاقه مندید. ۲. با خواندن آن، کودک شما دانستنی هایی در باره جهان پیرامون خود می آموزد. ۳. به شما کمک می کند که آنچه در ذهن دارید، بیان کنید. ۴. به کودک کمک کند تا احساس خوب و مثبتی از خود داشته باشد و به قابلیت های تازه خود پی ببرد. ۵. به کودک کمک می کند که بداند در دنیای اطراف او کودکان دیگری هستند که شرایط و احساسات مشابهی با او دارند. ۶. به کودک کمک می کند تا مفاهیم و معانی، ارزش ها، سنت ها، خانواده، جامعه و ... را درک کند.»(عطاری کرمانی، ۱۳۸۳: ۸۷)

یکی از مواردی که به نظر می رسد بر علاقه کودکان به مطالعه تأثیر گذاشته و مانعی بر سر این راه ایجاد کرده رسانه های صوتی - تصویری از قبیل، تلویزیون، رایانه و غیره است. این رسانه ها با برخورداری از رنگ، صوت، حرکت و ... جذابیت هایی بیشتری نسبت به کتاب و مطالعه دارند. با این وجود باید اگر «همه رسانه ها اعم از چاپی، مانند کتاب، روزنامه ها و مجلات و صوتی و تصویری مثل سینما، رادیو، تلویزیون و ... در یک هماهنگی کامل عمل کنند نه تنها مخل خواندن نیستند، بلکه گزیده خواندن و خوب خواندن و عمیق خواندن را ترویج می کنند و این ممکن است سبب کاهش خواندن از نظر کمی شود ولی مسلماً از نظر کیفی سبب ارتقای سطح خواندن خواهد شد. ضمن آن که ترویج کتاب خوانی هم باید در دستور کار رسانه ها قرار بگیرد تا مطالعه را به عنوان یک ارزش در جامعه نهادی کنند.»(قزل ایاغ، ۱۴۰۰: ۴۰)

صداقت و راستگویی: راستگویی یکی از مهارت های بسیار مهم تربیتی است. ضد راستگویی، دروغگویی است که آیات و احادیث فراوان در نهی آن آمده است، به عنوان مثال امام صادق (ع) می فرماید: «از آنچه خداوند به دروغ گوینان کمک کرده است، فراموشی است و هر که بسیار دروغ گوید، آبرو و ارزشش از بین می رود.»(اصول کافی، ج ۴، ص ۳۸)

باید توجه داشته باشیم که «کودکان تا قبل از سن سه تا چهار سالگی نمی توانند کاملاً بین واقعیت و رؤیا قضاوت چندانی قائل شوند. در واقع وقتی چیزی خلاف واقعیت می گویند، می تواند ناشی از یک تخیل فعال باشد، خلاقیت کودک شما در سال های اولیه به سرعت در حال رشد است، به حدی که در بسیاری از موارد فکر می کند هر چه به ذهنش می آید، واقعیت دارد. فراموشی و ... هم می تواند علل دیگر باشد، وقتی شما کودک خردسالتان را به خاطر این که مداد رنگی خود را به دیوار کشیده دعوا می کنید و او می گوید که کار او نبود، احتمالاً دروغ نمی گوید. او فقط فراموش کرده چنین کاری کرده است یا آن قدر آرزو دارد که ای کاش کار او نمی بود که در ذهنش باور کند، رفتار خطا از او نبوده است.» (عطاری کرمانی، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۹)

برای مدارا کردن با کودکان دروغگو نظرات و راهکارهای زیادی وجود دارد، نویسنده کتاب «محققان می گویند این گونه فرزندتان را تربیت کنید» می نویسد: «کودک خردسال را با انبوه انتظارات و قواعد و مقررات تحت فشار نگذارید. او همه آن ها را درک نمی کند و از پس همه آن ها بر نمی آید. لذا ممکن است برای این که شما ناراحت نشوید، دروغ بگوید. همچنین ذکر می کند: وقتی ناخواسته چراغ اتاق خواب یا اسباب بازی یا لیوان و ... می شکند یا چیزی را می اندازد، از ترس این که دیگر دوستش ندارید ممکن است مسئله را انکار کند. برایش توضیح دهید که شما او را همیشه دوست دارید، حتی وقتی کاری کند که بهتر بود انجام نمی داد.» (همان: ۳۰)

اما کوپر و همکاران در این رابطه عقیده دارند: «بسیار مهم است که فرزند خود را وادار کنید که اقرار کند. در مورد گناهان و بزهکاری ها، مصونیت و محفوظ بودن از تنبیه مستلزم اقرار و اعتراف است. وقتی فرزند شما بپذیرد که کار نادرستی انجام داده است، آن وقت شما می توانید علت رفتار یا گفتار نادرست او را تجزیه و تحلیل کنید. چنانچه فرزند شما نمی تواند بپذیرد که دروغ گفته یا کار ناپسندی انجام داده است، شما باید از او سؤالات خاصی بپرسید ولی باید بدانید در چنین مواقعی شما باید الگو و نمونه بارزی در زمینه درستی برای فرزند خود باشید.» (کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۳)

مسئولیت پذیری: آموزش مسئولیت پذیری از جمله آموزش های بسیار مهم است که در صورت تحقق آن کودکانمان در آینده، انسان هایی وظیفه شناس تربیت می شوند. اما مسئولیت پذیری چیست؟ «واژه مسئولیت از لحاظ لغوی به معنی توانایی پاسخ دادن و در عرف عام به مفهوم تصمیم گیری های مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم گیری مناسب، آن است که کودک در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود.» (کلمز و بین، ۱۳۷۵: ۱۱) علاوه بر ذکر فواید مسئولیت پذیری بهتر است به مضرات عدم مسئولیت پذیری نیز بپردازیم «کودکی که غیرمسئولانه عمل می کند، با تنبیه و انتقادی بیش از آنچه سزاوارش است، مواجه خواهد شد و در نتیجه عزت نفسش کاهش می یابد. او نه تنها نسبت به واکنش های خویش و نحوه واکنش دیگران، نامطمئن می شود، بلکه نسبت به زندگی نیز نگرشی منفی پیدا می کند.» (همان: ۱۳) راهکارهایی که می توان برای آموزش مسئولیت پذیری به کودکان در نظر گرفت به قرار ذیل است:

برای آموزش مسئولیت پذیری، اولاً لازم است که به کودکان مسئولیت مناسب با سنش داده شود، ثانیاً «شما می توانید با محول کردن کارها و امور جاری به او و انجام دادن آن ها به طور منظم، این مهارت را در فرزند خود ایجاد کنید. یکی دیگر از گام هایی که می توانید در مسئولیت پذیری فرزند خود بردارید، این است که به او کمک کنید تا به وقت شناسی و سر موقع حاضر شدن عادت کند... سعی کنید امور را به قسمت های کوچک تر تقسیم کنید. به عنوان مثال، فرزند شما

چه موقع باید بیدار شود، چه موقع صبحانه بخورد و چه موقع خانه را ترک کند. موقعیتی ایجاد کنید که فرزند شما بداند، چه کار باید بکند و سعی کنید در این زمینه به او کمک کنید. به عنوان مثال ممکن است او به یک ساعت زنگ دار نیاز داشته باشد و شما باید چنین ساعتی را برایش تهیه کرده و روش تنظیم آن را نیز به او یاد دهید. «کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۰۳»

برای آموزش مسئولیت پذیری به نوجوانان نیز روش های مختلف وجود دارد «فرزند شما در سنین نوجوانی دوست دارد کارها و امور را خودش انجام دهد ولی احساس می کند، اعتماد به نفس کافی ندارد، بنابراین برای کمک به فرزند خود، کارها و امور را به موارد کوچک تر تقسیم کنید تا بتواند گام به گام پیش برود. به عنوان مثال فرزند شما دوست دارد برای یک گردش روزانه با دوستان خود به پارک یا منطقه دیدنی برود. برای انجام این کار، او باید بلیت ارزان قیمتی پیدا کند، نوع وسیله رفت و آمد را مشخص کند و زمان برگشت به خانه را معین کند. تمام این کارها مستلزم استفاده از اینترنت یا تلفن به آژانس های مسافرتی یا تفریحی است، لذا او باید به مهارت بحث و چانه زدن، بودجه بندی و مکالمه تلفنی را داشته باشد. مهم ترین چیزی که فرزند شما نیاز دارد این است که بتواند با بررسی همه جوانب تصمیم بگیرد. اگر فرزند شما پول توجیبی هفتگی دارد باید بتواند با احساس مسئولیت خرج کند. هرگز به او نگوید چه چیزی باید بخرد یا چه چیزی نباید بخرد ولی فقط او را راهنمایی کنید که درآمد خود را بیهوده تلف نکند. او باید بداند که مقداری از پول خود را برای تهیه مواد بسیار ضروری، پس انداز کند.» (همان: ۳۱۵)

همچنین مربیان خوب برای آموزش مسئولیت پذیری «برای کودک، روشن می سازند که در ارزیابی عملکردش چه معیارهایی مورد نظر است. با ارزیابی های خود، کودک را از درستی و نادرستی آنچه که انجام داده است، آگاه می سازند. نحوه انجام کار را عملاً نشان می دهند، به گونه ای که کودک بفهمد باید چه کار کند. به کودک کمک می کنند تا تمام مسائلی را که طی انجام یک تکلیف پیش می آید، شخصاً حل کند.» (کلمز و بین، ۱۳۷۵: ۵۱)

رفتارهای مؤدبانه و متواضعانه: رفتارهای مؤدبانه کودکان باعث می شود، دیگران نیز به شخصیت آن ها احترام بگذارند و این امر در روحیه آن ها تأثیر مثبت می گذارد و مراحل رشد آن ها را تسهیل می بخشد. در اینجا بهتر است ابتدا واژه ادب را تعریف کنیم. «ادب به معنای دانش، فرهنگ، معرفت، راه و رسم پسندیده، خوی خوش، گفتار و کردار نیکو، نگاهداشت حد هر چیز است و پاک گردانیدن ظاهر و باطن از هر گونه آرایش، ادب نفس خوانده می شود.» (نعمت اللهی و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۱)

رفتار مؤدبانه کودکان و نوجوانان تأثیر به سزایی در زندگی امروز و فردای آن ها دارد. «رفتار مؤدبانه و متواضع باعث می شود که فرزند شما زندگی خوب و راحتی داشته باشید. وقتی فردی مؤدب و خوشرو باشد، عکس العمل های خوبی از طرف دیگران دریافت می کند. اگر شما رفتار مؤدبانه داشته باشید، فرزند شما تقلید کرده و همان رفتارها را از خود بروز خواهد داد. به عنوان مثال همیشه از کلمات لطفاً و متشکر استفاده خواهد کرد. کودکان می توانند رفتارهای مؤدبانه و متواضع داشته باشند. برای مثال، هنگام غذا خوردن تعارف کنند و در وسایل نقلیه عمومی ممکن است، صندلی خود را به فرد پیری بدهند. شما می توانید این نوع رفتارها را به فرزند خود یاد بدهید. به او توضیح دهید که خلق و خوی خوب نشانه احترام به دیگران است و برایش تشریح کنید که دیگران نیز در قبال چنین رفتارهایی، با آن ها به احترام رفتار خواهند کرد. همچنان که فرزند شما مهارت های اجتماعی شدن را در خود رشد می دهد یاد می گیرد که بدون انتظار مستقیم و متقابل از دیگران، مراعات حال دیگران را نیز بکند.» (کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۵۰)

ایجاد و تقویت ایمان در کودکان: ایمان و اعتقاد به خداوند، پیامبران و جهان آخرت باعث تقویت روحیه و نگاه مثبت به زندگی، در هر انسان از جمله کودکان و نوجوانان می شود. افرادی که ایمان و اعتقاد محکمی دارند، دیدشان نیز نسبت به جهان متفاوت است. در ناملایمات و سختی های زندگی ناامید و مأیوس نمی شوند و به خداوند تکیه می کنند. جهان را عبث و بیهوده نمی پندارند و آن را جلوه گاه خداوند و مظهر قدرت الهی می بینند و چون به جهان آخرت ایمان دارند، سعی می کنند، مراقب اعمال و رفتارشان باشند. «ایجاد و تقویت ایمان در کودکان سعادت آن ها را بیمه می کند. بهترین زمان یادگیری و سوق کودکان به سوی دین و مذهب و خداوند متعال همان دوره اول کودکی می باشد. والدین باید با تعلیم شعائر مذهبی و بزرگداشت ارزش ها قدم های بسیار مؤثری بردارند تا کودکان عملاً در ذهن و اندیشه شان حفظ و حراست از شعائر مذهبی را بیاموزند. کودکان در چنین سنینی مقلد بسیار خوبی هستند و الگوی رفتاری ایمانی آنان ابتدا والدین و آن گاه پدر و مادر بزرگ ها می باشند. مثلاً در ایام ماه مبارک رمضان روزه کله گنجشکی یا وقت نماز، گرفتن وضو توسط کودکان در پرورش روح ایمان و تقوا در کودکان بسیار کارساز است... اگر والدین احسانی می کنند، آن را توسط کودکان به مرحله عمل درآورند تا عملاً مزه شیرینی بخشش و کمک به دیگران را بچشند و لذت ببرند. سعی کنید حتماً فرزندان را از آب زلال کوثر ایمان سیراب و مشتاق سازید تا در آینده جوانانی مؤمن و معتقد بارآیند زیرا ایمان روح انسان را از پلیدی ها حفظ و حراست می کند.» (عطاری کرمانی، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

نکته قابل توجه این است که «در دوران نوجوانی و بلوغ جهش ناگهانی به طرف مذهب در بیشتر نوجوانان دیده می شود و این دوران را باید نوعی دوران بیداری مذهبی دانست، زیرا نوجوانان با گرایش به مذهب در توسعه شخصیت خود پویا می شوند و وجود خویش را به منزله جزء و تابعی از جهان بزرگ که خداوند خالق آن است، می دانند و از فلسفه زندگی برداشت هایی خواهند نمود و به دنیای اطراف خویش از روی فطرت ذاتی مذهبی و وحدانی گرای نگاه می کنند و برای سؤال های خود به دنبال جواب می گردند که پاسخ های خود را در مذهب می یابند.» (همان: ۲۷۵)

همان طور که قبلاً گفته شد، والدین و مربیان علاوه بر این که می بایست الگوی درست و سرمشق واقعی برای جوانان باشند. «باید از نمونه های آرمانی کتب آسمانی و سرگذشت های ملی و مذهبی که روح تشنه جوانان را سیراب از معنویت می سازد، استفاده نمایند تا جلوی بمباران های مذهبی که به وسیله بیگانگان انجام می گیرد، گرفته شود و نوجوانان را از زشتی های اطراف دور ساخت و شور و هیجان مذهبی که جزو فطرت دوران نوجوانی است را به بهترین حالت شکوفا کرد.» (همان: ۲۷۵)

نوشتن خلاق: کودکان سواد خواندن و نوشتن را در مدرسه یاد می گیرند، آن ها باید نوشته های غیر خلاقانه مانند رونویسی و نیمه خلاقانه مثل املا نوشتن را در مدرسه آموخته باشند. کودکان، مقداری نوشته خلاق مانند جمله نویسی و متن نویسی را هم در مدرسه آموزش می بینند ولی اگر بخواهید که فرزند شما در نوشتن خلاق مهارت کسب کند، می توانید او را در این امر یاری کنید، زیرا نوشتن خلاق بهترین وسیله برای تحقق بخشیدن به علایق، استعدادها و توانایی های کودکان است. بی شک اکثر کودکان در دوران ابتدای مدرسه از قدرت تخیلی قوی برخوردارند اما نحوه پروراندن این قدرت بسیار مهم است.

برای تشویق فرزندان خود به نوشتن خلاق می توانید موارد مذکور را در نظر بگیرید: «۱. از فرزند خود بخواهید که برای یکی از شخصیت های مورد علاقه خود مأموریت اکتشافی جدیدی را در سر بپرواند. ۲. اشعار ساده ای را برای او بخوانید و از او بخواهید که مصرع یا بیت دوم را بیان کند. ۳. از فرزند خود بخواهید برای عروسک یا اسباب بازی های مورد علاقه

اش زندگی نامه بنویسد. ۴. از فرزند خود بخواهید، در مورد چیزها و وقایعی که در خارج از خانه می بیند، صحبت کند؛ مثلاً، بارش برف چه احساسی در او ایجاد می کند.» (کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۷)

یکی دیگر از روش ها برای آموزش نوشتن خلاق، یادگیری خلاصه و چکیده نوشتن است. «خلاصه و چکیده نوشتن، کار چندان ساده ای نیست. با این حال، سعی کنید فرزند خود را ترغیب نمایید که آن را یاد بگیرد... الگوهای زیادی برای خلاصه نوشتن وجود دارد که ممکن است فرزند شما آن ها را در مدرسه یاد بگیرد. در خانه، او را ترغیب کنید که روش های جدید نوشتن را به کار ببرد... شاید او بخواهد روش خاص خود را برای یادداشت های کوتاه و نامه به کار ببرد. به هر حال در هر مرحله، سعی و کوشش او را مورد تشویق و تحسین قرار دهید.» (همان: ۱۶۸)

نیاز به استقلال: والدین باید کودک را طوری تربیت کنند که در آینده فرد مستقلی بار بیاید و ضمن شناخت آسیب های جامعه، وابستگی کامل خود را به والدین محدود کند. «فرزند شما در سن هشت سالگی، اصرار دارد که بعضی از کارهای خارج از خانه از قبیل دیدن دوستان یا رساندن پیغام به یکی از همسایگان را بدون همراهی شما انجام دهد. در چنین شرایطی شما باید موقعیت و وضعیت خاص فرزند خود و همسایگان را در نظر بگیرید. اگر احساس می کنید که فرزندان به اندازه کافی رشد کرده و می تواند از خود مراقبت کند، می توانید استقلال بیشتری به او بدهید ولی چنانچه او بیش از اندازه تحریک پذیر بوده و نمی تواند خطرات احتمالی را تشخیص دهد، محدودیت بیشتری برای او قائل شوید. همچنین، وجود خیابان اصلی و رفت و آمد اتومبیل ها یا نبودن مغازه های محلی می تواند روی تصمیم شما تأثیر بگذارد. وقتی فرزند هشت ساله شما می خواهد به تنهایی از خانه خارج شود، انجام کارهای کوچکی از قبیل خریدن یک بطری شیر از مغازه محلی یا رساندن پیغامی به همسایه را به او محول کنید تا بتواند مستقل بودن را تمرین کند. هر کدام از این تمرین ها که با موفقیت انجام شود، باعث می شود که اعتماد به نفس فرزند شما بیشتر شود. لازم به یادآوری است که شما باید بدانید که فرزندان به کجا می رود، با چه کسی ملاقات می کند و چه موقع به خانه برمی گردد.» (همان: ۱۷۰)

با بیان انتظارات خود می توانید به فرزندان نشان دهید که برای انجام یک کار، تصمیماتی را باید به صورت مسئولانه بگیرند. آن ها را به فکر کردن در باره پیامدهای احتمالی رفتارهایشان و اندیشیدن به مسئولیت هایشان ترغیب کنید. این کار باعث تقویت مهارت تصمیم گیری مسئولانه در فرزندان می شود. «با این حال انتقال از وابستگی تا نوابستگی به شما که بتواند امور و کارها را خودش تنظیم کرده و انجام بدهد، مرحله بسیار دشواری است. به یاد داشته باشید که او همیشه نخواهد توانست در این زمینه موفق باشد. بنابراین هر از چند گاهی دخالت کرده و به او کمک کنید که بتواند بعضی از کارها را انجام بدهد یا سروقت حاضر شود.» (همان: ۲۰۴)

پاکیزگی، بهداشت و آراستگی: توجه به پاکیزگی و بهداشت کودکان از همان ابتدای تولد لازم و ضروری است زیرا به تدریج که کودک بزرگ می شود، به این پاکیزگی و آراستگی عادت می کند، ضمناً باید توجه داشت که کودک، بهداشت و پاکیزگی را از والدین خود تقلید می کند. با این حال والدین باید توجه داشته باشید که «فرزند نه ساله شما، در این سن باید بتواند خودش حمام کند اما برای امنیت و اطمینان بیشتر، در حمام را نباید قفل کرد. شما می توانید در این زمینه با نظر گرفتن این موارد به فرزند خود کمک کنید: حوله و وسایل پاک کننده تمیز در اختیار او بگذارید. اجازه دهید که فرزند شما شامپو و سایر وسایل پاکیزگی را خودش انتخاب کند. در مورد خرید انواع عطر و ادکلن با یکدیگر همفکری کنید. انواع بسیار مختلفی از عطرها وجود دارند که مناسب افراد جوان و نوجوان هستند. مسواک مناسب در اختیار او بگذارید.» (کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۰)

در دین اسلام نیز به پاکیزگی و آراستگی بسیار تأکید شده است. خداوند در سوره اعراف آیه ۳۱ می فرماید: «ای فرزندان آدم، زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید. زینت ها اعم از پوشیدن لباس مرتب و تمیز، مرتب کردن موها، استفاده از عطر و آراسته کردن خود به خصلت ها و ارزش های اخلاقی و خلوص نیت است. پس حکم این آیه، هم زینت های ظاهری و هم زینت های باطنی را شامل می شود.» (استخری، ۱۳۸۶: ۱۳۹) بی شک مسجد در اسلام نه تنها محل عبادت بلکه مکانی برای اجتماعات است و تأکید قرآن کریم مبنی بر آراستگی در هنگام رفتن به مسجد ناظر بر آراستگی فردی برای انجام عبادت و شرکت در اجتماعات و زینت های ظاهری و باطنی است.

پرورش شخصیت از راه بازی: بازی یکی از نیازهای طبیعی کودکان است و بخش مهمی از زندگی آن ها را به خود اختصاص می دهد. «ادعای روان شناسان این است که بازی برای کودک دارای جنبه غریزی است و دلیل آن همگانی بودن و جنبه ادراکی آن است. همه کودکان بازی را با شغف و سرور بسیار پذیرایند و از آن خیلی اندک احساس خستگی و دلزدگی می کنند. از طریق آن طرز فکر، هوش، مدیریت، شور و نشاط و توان کار و تلاش خود را به نمایش می گذارند و هم در این وادی، شخصیت خود را بروز می دهند. والدین و مربیان آگاه با دلیل قرار دادن آن سعی دارند شخصیت کودک را بسازند و نابسامانی هایی را که در رفتار و کردار آن هاست از میان بردارند.» (قائمی، ۱۳۶۹: ب: ۳۰۳)

بازی ها فواید و اثرات سازنده زیادی دارند که به مواردی از آن اشاره می شود: «بازی کودک را با دنیای جدید آشنا و مأنوس کرده و رازهای ناگشوده ای را به روی کودک می گشاید. طفل در ضمن بازی بسیاری از آنچه را که نمی داند، می پرسد و نقاط بسیاری از جهل خود را به علم بدل می سازد. ۲. بازی کاربردی مهم و سازنده در جنبه سازندگی اخلاقی و اصلاح نابسامانی های رفتاری دارد و اثرات آن در رشد انسان به حدی است که بسیاری از کارهای بزرگسالان به حقیقت انعکاسی از آموخته های ضمنی بازی دوران خردسالی است. ۳. بازی وسیله ای برای شناخت و هدایت علائق است و مربی از طریق آن می تواند آن علائق را به سویی که مورد نظر است، جهت دهد. ۴. بازی برای کودک شادی آفرین است و در عین حال ایجاد کننده زمینه ای است که در آن می توان، دنیایی از مسائلی را به او تفهیم کرد و کودک با شادابی آن ها را می پذیرد و احساس سنگینی در خود نمی کند. ۵. از طریق بازی می توان با بسیاری از اختلالات روانی و شخصیتی مبارزه کرد و حالاتی چون کمرویی و شرمندگی و یا سوء استفاده هایی چون تجاوز و خشونت را از میان برد، ریشه تردیدها و دودلی ها را از میان برد و موجبات تسط بر خود و رفتار را فراهم کرد و ...» (همان: ۳۰۵-۳۰۶)

اهمیت دادن به نظم و انضباط: در اهمیت نظم، همین بس که بگوییم که خداوند، اساس جهان را بر نظم استوار ساخته است، به طوری که اگر کوچک ترین خللی در این نظم ایجاد شود، اساس جهان به هم می ریزد. حرکت منظم ستارگان و سیارات نمونه آشکاری از نظم عالم است. اهمیت دادن به نظم و انضباط در زندگی انسان ها نیز بسیار ضروری است. اصولاً بی نظمی، آشفتگی و اختلال را به همراه می آورد و زیان های فراوانی به همراه دارد. نوجوان و «جوان بانضباط کسی است که در هر موقعیتی شایستگی خود را در انتخاب رفتار درست و سنجیده در قبال جامعه به اثبات رساند و علی رغم هر گونه اشکال و ناگواری ها برای رسیدن به مقصود والایی که در پیش دارد، از هیچ کوششی دریغ نکند. باید توجه داشت که پرورش و تربیت جوان و نوجوان بانضباط تنها از راه مدیریت و اطاعت ممکن نمی باشد، زیرا نوجوان و جوان با نظم و انضباط با کمک مجموع تأثیرات مفید به وجود می آید که این اثرات سودمند از قبیل محیط آرام، عدم کشمکش بین والدین، دادن استقلال و آزادی لازم به نوجوان، چگونگی درس و مطالعه، سرگرمی، استراحت و ... در تربیت و حفظ انضباط نوجوان بسیار مفید است و او را منضبط و مفید بار می آورد.» (عطاری کرمانی، ۱۳۸۳: ۳۷۱-۳۷۲)

به طور کلی، می توان انضباط را نتیجه و فرایند، مجموعه های از کارهای تربیتی دانست. «انضباط اصولاً چیزی جز نتیجه کار انسان نمی باشد و نوجوان با توجه به ویژگی های شناختی و یادگیری باید از جاده انضباط، زندگی سالم و بانشاط را طی کند... دستورات تربیتی خانواده نمی تواند و نباید در شرایط گوناگون یکنواخت باشد، بلکه سن و سال و موفقیت زمانی و مکانی برای نوجوان مسلماً آن را از یکنواختی و کلیشه ای خارج می کند. آنچه مهم است باید به نوجوان یاد داد تا خود را با شرایط زمانی و مکانی تطبیق دهد... والدین باید از چگونگی هدفشان در کار تربیتی مطلع باشند و فرزندان هم باید در موارد بسیاری از این اهداف آگاهی داشته باشند، مثلاً اگر می خواهید فرزندان به موقع حمام کند، باید اهمیت استحمام و نظافت را دانسته و عمل کند و به او یادآور شوید که نظافت موجب شادابی و همگرایی می شود. بنابراین او را عادت دهید، همیشه بدون بهانه آوردن در روز معین اقدام نماید تا از این طریق، نظم راه زندگی را بشناسد. والدینی که می گویند اگر امروز حمام نرفت اشکالی ندارد، فردا می رود. عملاً به او اجازه می دهند که مقررات را زیر پا بگذارد، زیرا امروز حمام را، فردا غذا را. پس فردا درس و ... را به تأخیر می اندازد.» (همان: ۳۷۲-۳۷۳)

خلق و خوی نیکو: اخلاق نیکو سلامت روابط اجتماعی جامعه را تضمین می کند. اگر چه اصول و دستورات اخلاقی در جوامع مختلف با هم تفاوت دارد ولی باید پذیرفت که همه جوامع به اخلاق نیاز دارند. به دلیل این که پایه و اساس تربیت انسان، از خانه و خانواده شروع شده و شکل می گیرد، بنابراین والدین در زمینه آموزش اصول اخلاقی نقش مهمی را ایفا می کنند. «اعمال و رفتار والدین باید تحت ضابطه باشد تا کودک نیز فردی منضبط گردد. سخنان آن ها باید از روی حساب باشد تا کودکان مبادی آداب درآیند و البته اگر مسئله مهد کودکی مطرح است، اطفال در آنجا تحت کنترل و نظارت و ارشاد باشند تا شخصیتشان قوام یابد و هماهنگی رفتار پدر و مادر و یا خانواده و مدرسه در این راه و طرز برخورد صحیح لازم است و ثبات خانواده نقش اساسی را در این راه ایفا می کند.» (قائمی، ۱۳۶۹، الف: ۱۷)

باید توجه داشت که درک و فهم و آموزش اصول اخلاقی، نیاز به زمان دارد و ما نمی توانیم آن ها را یک روزه یا یک شبه به کودک آموزش دهیم. «در هر سنی آدمی نمی تواند نظم و ضابطه ای را بر خود تحمیل کند. شاید برای ما ممکن باشد که ساعتی را بی حرکت بتوانیم در برابر آدابی بایستیم ولی این کار از کودک ۳ و ۴ ساله ای که دائماً در جنبش و تحرک است، میسر نیست. او دائماً می جنبد بدون این که از نظر ما دلیلی برای جنبش او باشد. دائماً حرف می زند بدون این که از نظر ما ضرورتی برای حرف زدن او باشد. بدین حساب در هر سن چیز خاصی را می توانیم به کودک بیاموزیم و یا توقع ویژه ای می توانیم از او داشته باشیم. بدون رعایت این ضابطه امر تربیت اخلاق دچار وقفه و هرج و مرج خواهد بود.» (همان: ۱۵)

در تربیت اخلاقی کودک باید آگاهی هایی را به او داد و ارزش هایی را برایش مشخص کرد. این آگاهی ها و ارزش ها وسیع است که در اینجا به نکاتی از آن ها اشاره می شود. ۱. آگاهی هایی در زمینه وظایف فردی و آنچه که در رابطه با خود اوست. ۲. آگاهی هایی در زمینه وظایف او نسبت به والدین و برادران و خواهران و بستگان و ... ۳. اطلاعاتی در زمینه روابط با دیگر انسان ها از همسایه، مردم، جامعه و ... ۴. ضوابطی که در رابطه با مسائل اخلاق و روابط اخلاقی است. ۵. خوش بینی در معاشرت ها و برنامه زندگی که باید در کودک پرورش یابد. ۶. رشد قضاوت و توان داوری در امور به تناسب رشد. ۷. سنن و شعائر، آداب و رسوم و نحوه استفاده و بروز آن در مواقع ضروری ۸. همکاری و تعاون و در مواقع ضرور ایثار و فداکاری و خلوص و وفا. ۹. انتقال ارزش ها و میزان های صحیح اخلاقی و درس شرافت و بزرگ منشی ۱۰. احترام به قوانین و موازین درست اجتماعی و ارزش های حاکم بر جامعه.» (همان: ۱۹)

میکله بوربا روان شناس تربیتی در این باره می نویسد: «هوش اخلاقی، بیشترین امید برای حفظ زندگی اخلاقی کودکان ماست. هوش اخلاقی توانایی درک درست از نادرست است. این عبارت به معنای برخوردار بودن از عقاید اخلاقی راسخ و قوی عمل کردن به آن هاست، به گونه ای که فرد به شیوه ای صحیح و محترمانه رفتار کند. این استعداد فوق العاده، دربردارنده ابعادی ضروری از زندگی از جمله توانایی تشخیص رنج افراد و خودداری از رفتار ظالمانه تعمدی، مهار کردن هیجان های ناگهانی و به تعویق انداختن کامروایی، گوش دادن به همه جنبه ها قبل از قضاوت کردن، پذیرش و ادراک تفاوت ها، شناخت گزینش های ممکن غیراخلاقی، همدلی کردن، ایستادگی در برابر بی عدالتی ها و رفتار با دیگران با احترام و عطف است. این ها ویژگی های اصلی هستند که به فرزند شما کمک می کند تا به یک انسان خوب و شایسته تبدیل شود. این ها پایه و اساس منش استوار و تبدیل شدن به یک شهروند خوب هستند و مواردی هستند که ما بیش از هر چیز برای فرزندانمان خواهانیم.» (بوربا، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۷)

خانم دکتر بوربا در باره تعداد کودکانی که هوش اخلاقی را کسب نکرده اند می نویسد: «به طور فزاینده ای آشکار شده است که تعدادی از کودکان، به این جهت که هرگز هوش اخلاقی را کسب نکرده اند، در معرض خطر جدی قرار دارند. این کودکان به جهت دارا بودن وجدان سطحی، ضعف در مهار کردن امیال، رشد نیافتگی حساسیت اخلاقی و باورهایی که به گونه ای نادرست هدایت شده اند، تا حد زیادی به عقب افتادگی دچارند. اگر چه این افت اخلاقی علل پیچیده ای دارد، یک حقیقت انکار ناپذیر است. به دو دلیل عمده، جو اخلاقی که کودکان امروزه در آن قرار دارند، از لحاظ پرورش هوش اخلاقی مسموم است: نخست اینکه برخی از عوامل اجتماعی مهم که منش اخلاقی را پرورش می دهند، به تدریج در حال از هم پاشیدگی هستند از جمله، نظارت بزرگسالان، سرمشق های رفتار اخلاقی، آموزش های مذهبی یا روحانی، روابط معنادار بزرگسالان با هم، مدارس ویژه، ارزش های ملی واضح و روشن، ثبات، حمایت جامعه و تربیت مناسب فرزندان. دوم این که فرزندان ما دائماً در معرض بمباران از سوی پیام های بیرونی هستند که با ارزش هایی که ما سعی می کنیم، به آن ها القا کنیم، مغایرند. هر دو عامل به شدت با سقوط اخلاقی فرزندانمان و نیز با از دست رفتن معصومیتشان مرتبطند. مبارزه ما از آن هم دشوارتر است زیرا این پیام های مسموم پی در پی از منابع متعدد و متفاوتی می آید که کودکانمان به آسانی به آن ها دسترسی دارند. مطالب ناسالم در اینترنت، تلویزیون، فیلم ها، بازی های ویدئویی، موسیقی های مورد پسند عموم و تبلیغات. قطعاً از بدترین انواع دشمنان اخلاقی هستند.» (همان: ۲۷)

تمرکز ذهن و حافظه داشتن: تمرکز ذهن و حافظه داشتن یکی از مهارت های مهم تربیتی است که نقش اساسی در پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان دارد. این مهارت نه تنها در دوران تحصیلی بلکه در تمام دوران شغلی و زندگی دارای تأثیر و حائز اهمیت است. مسلماً توانایی تمرکز ذهن و حافظه کودکان و نوجوانان در سنین مختلف، متفاوت است. بچه ها هر چه بیشتر رشد می کنند، به توانایی بیشتری در این زمینه دست می یابند.

برای تقویت این مهارت راهکارهای عملی فراوانی وجود دارد از جمله: «در زندگی روزانه خود به طور دائم از شماره ها استفاده کنید. به عنوان مثال، شماره اتوبوس ها یا خانه ها. به صورت آهنگ وار اعداد را بخوانید یا بشمارید. (کوپر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹) برای تقویت تمرکز ذهن و حافظه راهکارهای دیگر هم وجود دارد. شما می توانید «آهنگ ها و آوازهای مهد کودک را با هم بخوانید. در حین خواندن، سعی کنید بعضی از کلمات و جملات را فقط او بخواند. همچنین بازی مخصوص حافظه را با هم انجام دهید. در این بازی، جمله ای ناتمام را یکی می گوید و دیگری همان جمله را فقط با یک کلمه اضافی، تکرار می کند و این کار همچنان ادامه می یابد و ...» (همان: ۵)

تکلم و زبان: مهارت کلامی در کودکان به تدریج رشد می کند و تکامل می یابد. بچه ها در شرایط طبیعی، معمولاً در چهار یا پنج سالگی و قبل از رفتن به مدرسه به طور کامل صحبت کردن را یاد می گیرند. برای تقویت مهارت تکلم و زبان می توان از راهکارهای مذکور استفاده کرد: «بیشتر اوقات با فرزند خود صحبت کنید. مستقیماً به چشمان او نگاه کنید و با صدای رسا، کلمات را درست بیان کرده و روی کلمات جدید، تکیه کنید. همچنین در مورد احساسات، عواطف و خلق و خو می توانید با فرزند خود صحبت کنید. شما می توانید در مورد عواطف و احساسات افرادی که در داستان ها وجود دارد با فرزند خود صحبت کنید و ...» (همان: ۲۱) همچنین گفته شده: «از تصحیح کلمات و جملات کودکان اجتناب کنید. در عوض، شما خودتان همیشه از کلمات و جملات و تلفظ صحیح استفاده کنید.» (همان: ۵۰) علت این امر این است که کودکان در مراحل زبان آموزی که معمولاً از یک تا پنج سالگی طول می کشد، با روش آزمون و خطا و نه صرفاً از راه تقلید زبان را یاد می گیرند. جورج یول زبان شناس اسکاتلندی - آمریکایی در این باره می نویسد: «تولید زبانی کودک از نوع آزمودن و محک زدن ساخته است برای اینکه مناسب یا نامناسب بودن آن ها را دریابد... مسلماً کودک گونه هایی از گفتار بزرگ ترها را تقلید می کند و در مرحله ای از زبان آموزی، تعداد زیادی کلمه از گفتار آن ها می گیرد ولی بسیاری از انواع عبارت ها در گفتار کودکان دیده می شوند که بزرگ ترها آن ها را تولید نمی کنند. به نظر نمی رسد که غلط گیری بزرگ ترها تعیین کننده چگونگی گفتار کودکان باشد.» (یول، ۱۳۹۵: ۲۰۹)

یک نکته تربیتی که در مورد تکلم و زبان کودکان حائز اهمیت است، این است که به دلیل این که «زبان کودک قبل از دبستان رشد فوق العاده ای دارد و به طور فزاینده و انقلابی کلمات و عبارات را در ذهن و حافظه خود جای می دهد... والدین در این مرحله ذخیره سازی، باید دقت کنند که از کلمات نامربوط و دور از ادب خودداری کنند، زیرا فرزندشان همانند طوطی چنین کلماتی را در قسمت روشن ذهنش ثبت و ضبط می کند.» (عطاری کرمانی، ۱۳۸۳: ۲۱)

شیوه های آموزش مهارت های رفتاری (مهارت «نه» گفتن): اصولاً آنچه افراد انجام می دهند یا بیان می کنند را رفتار می نامند. «وقوع رفتار به طور نظام دار تحت تأثیر رویدادهای محیطی قرار می گیرد... هنگامی که رویدادهای محیطی مسبب وقوع رفتارها را بشناسیم، آنگاه می توانیم رویدادهای محیط را به منظور تغییر رفتار دگرگون کنیم.» (میلتن برگر، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵) برای این منظور می توان از آموزش های مهارت های رفتاری استفاده کرد. معمولاً در آموزش مهارت های رفتاری از شیوه هایی استفاده می شود که در بافت ایفای نقش شبیه سازی می شود.

یکی از مهارت های مهم ، مهارت «نه» گفتن است. اگر کودکان و نوجوانان این مهارت را یاد بگیرند، آنگاه در برابر تقاضاهای بی جا و دعوت های ناجور دیگران با جرئت ورزی و بی رودربایستی مقاومت می کنند و تسلیم نمی شوند. در مثال ذکر شده، به طور خلاصه نحوه آموزش مهارت رفتاری نه گفتن به دیگران بیان شده است: «مارسیا منشی دانشگاه است. او معتقد است که کارمندان دانشگاه تقاضاهای غیرمنطقی از او دارند و نمی تواند این تقاضاهای غیر منطقی را (از قبیل کار کردن در ساعت ناهار و رساندن پیغام های شخصی) رد کند. با روان شناسی به نام دکتر مایلز ملاقات کرد که برای افزایش مهارت جرئت ورزی از شیوه های آموزش مهارت های رفتاری استفاده می کند. آن ها در دفتر روان شناس، موقعیت های مشکلی را بازآفرینی می کنند که مارسیا در محل کار خود با آن ها رو به رو می شود... ابتدا دکتر مایلز درخواستی غیرمنطقی می کند، مثلاً مارسیا من امروز بعد از ظهر قرار ملاقاتی دارم، لطفاً هنگام ناهار بروید و لباس مرا از خشک شویی بگیرید، سپس پاسخ مارسیا را در واکنش به این درخواست و چگونگی گفتن آن (رفتار کلامی و غیرکلامی) ارزیابی می کند... بعد دکتر مایلز چگونگی پاسخ دادن توأم با جرئت ورزی را در این موقعیت ها توضیح می دهد و رفتار

جرئت ورزانه را برای ماریسا در ایفای نقشی دیگر نشان می دهد. این بار ماریسا نقش همکاری را که درخواست غیر منطقی دارد و دکتر مایلز نقش ماریسا را که با جرئت ورزشی پاسخ می دهد، بازی می کند. در این ایفای نقش دکتر مایلز می گوید: متأسفم، نمی توانم درخواست های شخصی شما را انجام دهم. ماریسا پس از مشاهده دکتر مایلز که رفتار جرئت ورزانه را الگوسازی می کند، فرصتی می یابد تا آن را تمرین کند و...» (همان: ۱۴۴)

شیوه های آموزش مهارت های رفتاری (آموزش به کودکان برای مراقبت از خود در برابر دزدیده شدن): کودکان باید مهارت مراقبت و محافظت از خود را داشته باشند، زیرا به هر حال، آن ها هنوز به بلوغ فکری و جسمی کامل نرسیده اند و امکان دارد، کسانی بخواهند به دلایل مختلف، آن ها را فریب دهند. در مثال ذکر شده «چریل پوچه» به کودکان پیش دبستانی چگونگی پاسخ دادن به بزرگسالانی را آموزش داد که سعی می کنند کودکان را فریب دهند و بدزدند. «چریل پوچه، ایفای نقش های واقعی ای را تنظیم کرد که طی آن بزرگسالی در زمین بازی به سمت کودک می رود و از او می خواهد که با او همراه شود. بزرگسال می گوید: سلام، من یک اسباب بازی در اتومبیل دارم، فکر می کنم دوست داشته باشی. با من بیا تا آن را به تو بدهم. مهارت هایی که کودک یاد می گیرد این است: نه، باید از معلم سؤال کنم و به طرف مدرسه می رود ... پس از تماشای الگو، کودک ایفای نقش پیشگیری از ربوده شدن را تمرین می کند. مربی به کودک نزدیک می شود و سعی می کند او را فریب دهد. کودک در پاسخ می گوید: نه، باید از معلم سؤال کنم و به طرف مدرسه می دود. مربی کودک را به دلیل عملکرد صحیح تحسین می کند و اگر فقط بخشی از پاسخ صحیح باشد، مربی به آموزش ادامه می دهد.» (همان: ۱۴۵-۱۴۷)

شیوه های آموزش مهارت های رفتاری (استفاده از ادبیات در پیشگیری و کاهش رفتار نامطلوب): ادبیات و به طور خاص داستان یا قصه گویی می تواند وسیله مؤثری برای افزایش آگاهی دانش آموزان از رفتار نامطلوب مورد استفاده قرار گیرد. «در این روش اغلب داستان مناسبی برای دانش آموزان انتخاب و قرائت می شود، سپس دانش آموزان واکنش و احساس خود را در مورد آن داستان یادداشت و با تشکیل گروه، احساس درونی خود را تبادل می کنند. این نوع پاسخ ها نشان می دهد که داستان ها تا چه حد می توانند اثری عمیق بر انسان باقی گذارند. دانش آموزان هیجان های درونی و واکنش های عاطفی خود مانند ترس، خشم، نفرت، همدردی با قهرمان داستان را ابراز و واقعه را با تجربه های زندگی خود مقایسه می کنند... گاگن بال می گوید: کودکان به طور ناخودآگاه موضوع های شخصی خود را پیدا کرده، آن را تجسم می کنند. کمک معلم این است که دانش آموزان را طی بحث های گروهی کلاس به ابراز عواطف خود تشویق کند تا آنان از این طریق از دنیای تخیلی به واقعیت بیوندند و بتوانند درسی را که از داستان فراگرفته اند، به زندگی خود ارتباط دهند.» (بازرگان، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۴)

این روش یعنی استفاده از ادبیات در پیشگیری و کاهش رفتار نامطلوب آزارگری در یکی از مدارس ابتدایی مورد آزمایش و تحقیق قرار گرفت: «از دانش آموزان سه کلاس ابتدایی مدرسه های گروه نمونه که برایشان داستان ادیسه با قلب سنگی خوانده شده بود، مصاحبه ای به عمل آمد. از ۳۹ دانش آموز، ۲۷ نفر برای مصاحبه دقیق تر و مشاهده رفتارشان انتخاب شدند. این عده از ۹ دانش آموز آزارگر، ۹ دانش آموز آزرده و ۹ تن جدا از این مسائل، تشکیل شده بود. با دانش آموزان فوق سه بار مصاحبه به عمل آمد. نتیجه اولین مصاحبه که یک هفته پس از خواندن داستان صورت گرفت، نشان می داد که دانش آموزان آزارگر کمتر از دیگران از داستان لذت برده اند. احتمالاً به این دلیل که داستان بر نادرستی رفتار آنان تأکید می کرد. با این وجود اکثر آنان اظهار کردند که پس از شنیدن داستان از آزار و اذیت دیگران

دست کشیده اند و این امر را سایر دانش آموزان نیز تأیید کردند. دانش آموزان آزر دیده نیز اظهار داشتند که پس از خوانده شدن داستان، کسی آنان را اذیت نکرده است. در سه کلاس مورد تحقیق همه دانش آموزان گفتند که اگر فردی را در حال اذیت و آزار دیگران ببینند، اطلاع خواهند داد و ۶۷ درصد آنان اظهار داشتند که موضوع را به معلم کلاس گزارش خواهند داد. (همان: ۷۴-۷۵)

نتیجه گیری:

پدر، مادر، مربی و معلم و همه کسانی که با تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان سر و کار دارند، مسئولیت مهمی را بر دوش دارند، زیرا وظیفه آن ها تربیت انسان ها و نسل های آینده است. نسل های آینده، جوامع آینده را می سازند. بی شک والدین و مربیان آگاه و وظیفه شناس از هیچ کوششی برای تعلیم و تربیت فرزندان شایسته و بایسته فروگذار نیستند. شناخت دست اندرکاران تعلیم و تربیت از مخاطبانشان امری لازم و ضروری است و آن ها را در این امر خطیر یاری می کند. به خصوص در جهان امروز که فناوری های جدید و پیچیده سعی دارد، انسان ها را از نخستین لحظه های زندگی تحت تأثیر و حتی سلطه خود قرار دهد. تلاش برای تربیت انسانی رشد یافته که به کمال مطلوب رسیده باشد، روز به روز دشوارتر می شود. واقعیت این است که تأثیرات مخرب در جامعه گسترش یافته و محافظت از فرزندان در مقابل آن ها دشوار است. حتی اگر والدین مانع از دسترسی فرزندان به آن ها شوند، زمانی که فرزندشان از خانه بیرون برود، این مسائل در هر گوشه ای در کمینش هستند. به همین دلیل، ضروری است که والدین و دست اندرکاران تعلیم و تربیت، مسائل و ارزش های اخلاقی را به گونه ای به کودکان و نوجوانان آموزش دهند تا آن ها خودشان، احساس عمیق و رشد یافته ای در باره درست و نادرست داشته باشند و بتوانند در مقابل تأثیرات مخرب بیرونی ایستادگی کنند. توجه به رعایت ارزش های اخلاقی به انسان قدرتی می دهد که بتواند، با راهنمایی یا بدون راهنمایی دیگران، به طرز صحیح رفتار کند. سعدی شاعر ایرانی قرن هفتم در کتاب بوستان باب هفتم وظیفه والدین در قبال تربیت فرزندان را هنرمندانه سروده است: چو خواهی که نامت بماند به جای / پسر را خردمندی آموز و رای (اندیشه) / چو فرهنگ و رایش نباشد بسی / بمیری و از تو نماند کسی / بسا روزگاری که سختی برد / پسر، چون پدر نازکش پرورد / خردمند و پرهیزگارش برآر / گرش دوست داری به نازش مدار.

منابع و مأخذ

۱. استخری، طاهره. (۱۳۸۶). پژوهشی بر آیه های اخلاقی قرآن کریم. تهران: طغرای.
۲. بازرگان، زهرا. (۱۳۷۹). میانجیگری در مدرسه. تهران: مدرسه.
۳. بوریا، میکل. (۱۳۹۱). پرورش هوش اخلاقی. ترجمه فیروزه کاوسی. تهران: رشد.
۴. سادات، محمدعلی. (۱۳۷۲). اخلاق اسلامی. تهران: سمت.
۵. سعدی شیرازی، مصلح الدین. (۱۳۷۲). بوستان سعدی. تهران: ققنوس.
۶. شارپ، سونیا و کاوی، هلن. (۱۳۷۹). مشاوره و حمایت از کودکان در برابر ناملايمات. ترجمه سوسن آقاجانبگلو. تهران: آتیه.
۷. عطاری کرمانی، عباس. (۱۳۸۳). این گونه فرزندتان را تربیت کنید. تهران: آسیم.
۸. عنصرالمعالی، کیکاووس. (۱۳۸۶). گزیده قابوس نامه. انتخاب و شرح نرگس روان پور. تهران: قطره.
۹. قزل ایاغ، ثریا. (۱۴۰۰). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
۱۰. قائمی، علی. (۱۳۶۹ الف). خانواده و مشکلات اخلاقی کودکان. تهران: امیری.
۱۱. _____ (ب). (۱۳۶۹). خانواده و نابسامانی های روانی کودکان. تهران: امیری.
۱۲. کاردان، علیمحمد و دیگران. (۱۳۸۰). فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: سمت.
۱۳. کلمز، هریس و بین، رینولد. (۱۳۷۵). آموزش مسئولیت به کودکان. ترجمه پروین علی پور. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. کلینی رازی. (بی تا). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۵. کوپر، کارول و دیگران. (۱۳۹۰). رفتار با کودکان و نوجوانان. تهران: روان.
۱۶. مجموعه کبیر. (۱۳۸۹). ترجمه عابدینی مطلق. قم: هدف سبز.
۱۷. میلتن برگر، ریموند. (۱۳۹۴). شیوه های تغییر رفتار. ترجمه علی فتحی آشتیانی. تهران: سمت.
۱۸. نعمت اللهی، فرامرز و دیگران. (۱۳۸۳). ادبیات کودک و نوجوان. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۱۹. یول، جورج. (۱۳۹۵). نگاهی به زبان، یک بررسی زبان شناختی. ترجمه نسرين حیدری، تهران: سمت.